

فصلنامه مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان

سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۸۵

سه دهه حضور زنان در فعالیتهای پلیسی، یک مرور ادبی،

نویسنده : مارچل - اجن لیبیوف *

مترجم: امیر ترابی

چکیده

در حالی که برخی از نویسندگان معتقدند پیشگامی فعالیت زنان پلیس، در زمان معاصر آغاز شده است، یعنی حداقل از ابتدای قرن حاضر، بطور کاملاً خاصی در آمریکا و بریتانیای کبیر، نفوذ و حضور زنان در آنچه که بطور کاملاً سنتی به عنوان شغل خاص مردان شناخته شده، در سالهای ۷۰ به وقوع پیوسته و در آن سالها این پیشگامی شروع شده است.

در واقع قوانین مربوط به رفع تمامی شکل‌های تبعیض (مثل مسائل نژادی، جنسی، مذهب،...) در را به روی زنانی که تمایل زیادی به حضور و ورود در مشاغل گوناگون داشته، باز کرده و عرصه را برای فعالیت آنها تسهیل نموده است. اما به هر حال مشکلات و موانع و منازعات بسیاری در روش انجام این امر در میان زنان و مردان وجود دارد.

این مقاله ادبی، مستندات عمده در مورد تحقیقات مرتبط با اشتغال زنان در فعالیتهای پلیسی کانادا را شکل داده و ارایه نموده که شامل یک ارزیابی و بررسی غیراحساسی در مورد مباحث تحقیقاتی وسیع و گسترده ای که با پیوستن اولیه زنان به خدمت نیروی پلیس سروکار دارد، می باشد. همچنین در نوشتار حاضر مطالعات کتابشناسی دیگری که با این بحث ارتباط دارد، تکمیل و ارایه شده است.

کلید واژگان: پلیس زن، اشتغال زنان، فعالیتهای پلیسی، تحقیقات پلیسی

مقدمه

ارزیابی و سنجش موقعیت زنان در فعالیتهای پلیسی مستلزم ایجاد انتخابهایی است که به طور ضروری محدودیت خاصی در اهداف بالقوه در مورد مسائل و موضوعات مربوط به زنان ایجاد می کند موضوعاتی که قرار است بررسی شود و راهکارهای مربوط به هدف ایجاد شده، پیدا شود. از این روحتی ارزیابی و بررسی نوشته ها و یافته های مربوط به زنان و فعالیت آنها در کارهای پلیسی در سالهای ۱۹۷۰ تا نیمه سالهای ۹۰ متمرکز بوده و اجرا شده است.

این ارزیابی به سه دهه خاص تقسیم بندی شده که ما طریقه ای مناسب را برای حفظ انتخابهایی در مورد روند رشد حضور زنان در فعالیتهای پلیسی انتخاب کرده ایم و در بخش نهایی در مورد مطالعه های قبلی توجهی خاص کرده ایم . تحقیقات لازم در سایر کشورها، همچون ایالات متحده و کشورهای اروپایی، انجام شده ولی برخی از آنها در کانادا انجام گردیده که ویژگیهای خاص خود را دارا می باشند.

ما با توجه به بعد زمانی به آن مراجعه می کنیم. عناوین تحقیق ، مشکلات و مسائل مواجهه با زنان پلیس و مردان پلیس و سازمانهای آنها را بخوبی منعکس می سازیم . چهار تحقیق مرتبط با آن موضوعات و عناوین انعکاس دهنده مسائل زنان و وضعیت فعالیتهای پلیسی وجود دارد که همگی ارایه شده، ولی کارهای فوق بر اساس اهمیت و الویت بندی اختصاص یافته از طرف نویسندگان کارهای ذکر شده نیست . اولین تحقیق شرایط کاری ، سروکار مستقیم با چنین موضوعاتی مانند تلاشهای مربوط به استخدام (بکارگیری)، برنامه های تساوی حقوق، رهاکردن زندگی خانوادگی (مادری) و آغاز مرحله جدیدی از زندگی و ... دارد. دومین تحقیق، مربوط می شود به شرایط و اوضاعی که برای کار ارائه شده

و به عهده خانمها گذاشته می شود. و اوضاع کاری و فعالیت زنان در پلیس بطور کاملاً نزدیکی بستگی به موضوعهایی مانند این که زنان چطور مراتب سازمانی را طی کنند و ارتقا یابند، دارد. سوم اینکه، موضوعاتی مرتبط در فرهنگ عمومی و درستی فعالیت زنان در کارهای پلیسی در برابر دنیای مردها وجود دارد.

فرهنگ عمومی و صحت عملکرد زنان در کارهای ارجاع شده به آنها، به تفکرات و ذهنیات مربوط به پذیرفته شدن زنان از سوی همکاران مرد آنها و انتظاراتی که اداره پلیس از آنها دارد بستگی خاص دارد و سازمانها و شهروندان و موانع تخصصی بسیاری که تاثیر گذار بر عملکرد زنان است، ایجاد می نماید.

چهارمین تحقیق، مربوط به اقدامات و فعالیتهای اولیه و خاصی است که نیاز است تا زنان در درست عمل کردن و آماده سازی خودشان برای وضع کاری و دستیابی به موفقیت روزانه در تعاملات جمعی پلیسی و در طرح ریزی طی دوره کاری بلندمدت، موفق شوند و موانع را رفع کنند.

همانطور که مشهود است با این مباحث نه تنها ارزیابی و سنجش در مورد موقعیت زنان طی تحقیقات، تکمیل شده است بلکه به منظور فعالیت طی دوره طولانی تر، برای تسهیل در درستی عملکرد زنان و همچنین تکمیل کارهای آنها به عنوان افرادی خاص در یک موسسه و یا سازمان مشخص در حیطه فعالیت پلیسی مرحله خاص وجود دارد.

مستندات بحث به چهار بخش اصلی تقسیم بندی شده که وقتی به ذهنها آمده در دیدگاه های کاری راهکارهای خاص پیدا شده اند و همه آنها مشخص بوده و البته کاملاً دو جانبه نمی باشند، در هر یک از موارد، بررسی موضوعهای کاری و بحثهای اصلی تحقیق را خواهیم آورد. ما خواهیم دید که در هر مرحله زمانی، بهبود و ارتقای لازم پیدا شده است. در مورد تجزیه و تحلیل نهایی همه

مشکلات و مسائلی که متوجه زنان است و همچنین مسایلی که آنها با همکاران مرد خود داشته و سازمانهایی که آنها به آن تعلق دارند بررسی لازم و مربوط به آن انجام شده است .

اولین بخش به سالهای ۷۰ میلادی و دومین بخش به سالهای ۸۰ و سومین آن به سالهای ۹۰ مربوط می باشد . بخش نهایی به تحقیق و بررسی زمینه تاریخی (سابقه تاریخی) است که غیر مرتبط با هرمرحله می باشد. با این نوع خاص تحقیق، ستوالی مطرح می شود . در مورد اینکه چطور زنان به فکر افتادند که در برابر کسانی که قوانین را تحت سلطه و فشار خود دارند آرایش بگیرند و چطور رشد و ترقی آنها در این مورد همواره آنچنان که به نظر می آید نیست .(چه مشکلاتی وجود داشت و چرا؟).

توضیحات مقدماتی

قبل از اینکه مطالعات خود را در مورد دهه های گوناگون و یافته های مربوط به آنها سازماندهی کنیم ، دو توضیح را می باید ارایه دهیم.

اولین توضیح به تاریخ مربوط به زنان برمی گردد . همانطور که قبلاً نیز اشاره شده است برخی از زنان به سازمان های اصلاح قوانین وابسته بودند، که این موضوع به سالهای ۷۰ بر می گردد، و به هر حال قوانین مخالف تمامی اشکال تبعیض، طی سالهای ۶۰ در آمریکا (Milton) و در اوایل سالهای ۷۰ در کانادا و در سال ۱۹۷۵ در انگلستان و در تاریخ ۱۹۷۷ در استرالیا (Foreman 1978) تصویب شده بود و سازمانهای دولتی را مجبور به توجه لازم به حقوق زنان و حضور آنها در دوره های کاری خاص در زمینه پلیسی کرده بودند (Armat 1975). همچنین به جذب و استخدام جدید و سیاستهای وابسته به آن، بهبود کمی و

کیفی داده شد. (Brosseau 1980) بطور کلی منظور از تحقیق تاریخی نشان دادن این مطلب است که چطور زنان در طی مراحل گوناگون به موفقیت‌های بسیاری دست یافته و به عنوان زنانی که طرفدار داشتن حق رای بودند مقرراتی مطرح شد و حتی در سالهای جنگ جهانی اول در اکثر شهرهای آمریکا حضوری فعال یافتند و خلأ وجودی نیروهای مرد را تا زمان جنگ جهانی دوم پر کردند.

این تحقیق همچنین، تشریح می‌کند، چطور در اثر اصرار زنان و حضور فعال و شخصیت قوی آنها، حتی در سازمانهای تخصصی و سطح بالا، چون اسکاتلندیارد نیز حضور یافته و بسیاری از امور را در دست بگیرند. اگر چه در بخشهایی ویژه همراه با سایر همکاران جوان مشغول کار شده بودند (Albrecht 1976) ولی به هر حال حضور پررنگی در کارهای مربوط به امور پلیسی داشتند، (Hamilton 1971). بایستی متذکر شد که خانمها نیز مانند مردان، (زنان) تحت تاثیر تغییرات و شرایط کاری و سازمانی مثل محدودیتهای بودجه‌ای، فشردگی سازمان صف، فرصتهای ارتقا و پیشرفت، ادغام نیروهای پلیس و آتش نشانی و بسیاری از چرخشهای شغلی دیگر طی دوره خدمتی و موارد بسیار دیگر بودند. (Home 1979) دومین توضیح، که به بحث اول مرتبط است، به معرفی مجزا و خاص خانمها مربوط می‌شود. همانطور که می‌توانیم ببینیم، نقش زنان در زمانی خاص محدود شده بود و برای انجام فعالیت در برخی زمینه‌های خاص، موانع گوناگونی را پیش روی خود داشتند. درک این موضوع که نقش و حالتی که برای آنها در نظر گرفته شده واضح و روشن نبود و مشکلات آنها از ویژگیها و تغییرات گوناگونی برخوردار بود. در واقع اگر چه برای یک زمان طولانی نیاز به بکارگیری خاص زنان وجود نداشت و ضرورتی در این که از خدمات ایشان استفاده شود نبود،

ولی این مسئله از نظر تعداد کسانی که مخالف حضور زنان بودند بسیار اندک بود و البته تعداد کثیر دیگری این مساله را القا می کردند که در فعالیتهای پلیسی از خدمات زنان بهره گرفته شود و در دیگر فعالیتهای فوق به کار گمارده شوند. در حال حاضر شرایط به گونه ای دیگر شده و تغییرات مهمی در نقش و وظایف به وجود آمده است. همانطور که در آینده خواهیم دید وظایف یکسان و مشابه برای مردان و زنان شرایط یکسانی را برای آنها در زمینه آموزش افسران پلیس فراهم کرد. (Gaemirei 1974 Schl 1978). ما معرفی لازم را درباره بهترین بازتاب های موقعیت زنان، در زمانی که تحقیق انجام شده بود ارائه می کنیم و مورد استفاده قرار خواهیم داد.

بخش اول، یک اجماع (هماهنگی) کامل و یافته های مرتبط.

با تلاش در مورد کاربرد تجربه ای خاص برای تشریح تحقیق و بررسیهای علمی طی سالهای ۷۰ میلادی سئوالات بسیار ساده ای به وجود آمده و پاسخهای گوناگونی را نیز به همراه دارد. با وجود قوانینی که آنها اجباری کرد برای کمک به موقعیت زنان در فعالیتهای پلیسی، آیا واقعاً برای بازی کردن آنها یک نقش وجود دارد؟ این سؤال از سوی برخی مطرح گردیده که تقریباً با عملکرد زنان از نظر مهارتهای جسمی و غیره در اجرا و تکمیل وظایف درخواست شده و طرز تلقی آنها نزدیک و مرتبط می باشد.

این سؤال که آیا زنان در پلیس دارای جایگاهی خاص هستند، موضوع اصلی سه نوع تحقیق در این باره بوده که خود آنها سئوالات بسیار دیگری را مطرح می سازند. ارزیابی و طرح سؤال در مورد وضع زنان در شرایط، مدتهای مدیدی است که بخشی از فعالیت پلیسی گردیده است. این سئوالات به نحوی خاص

همه مسائلی را که زنان در کل و زنان پلیس بطور خاص با آن مواجه هستند در برمی گیرد. اولین نوع تحقیق، با دیدگاه و تصور زنان سروکار دارد و بحث دوم مهارتهای آنها را مورد بحث قرار داده و در بخش سوم (نوع سوم) نفوذ و تاثیر گذاری تقلیل داده شده از طرف زنان در زمانی خاص را برای بررسی و رفع منابع تبعیض آنها تشریح می کند.

۱ - تصور کلی زنان در چهارچوبهای تطبیقی

آنچه که بطور اساسی کیفیت و برتری مردان در مقایسه با زنان نامیده می شود مانع مهم، موثر و مفید در کار پلیس در نظر گرفته شده و از طرف دانشمندانی که در این مورد تحقیق می کنند ارزیابی و بررسی می شود.

آیا زنان بیش از حد احساساتی بوده و فاقد ثبات لازم می باشند. آیا این عدم اطمینان آنها، مخصوصاً طی حوادث با خطاها و جرائم ارتباطی وجود دارد (و از عهده کارها بر نمی آیند). آیا عدم صلاحیت و شایستگی بین کار پلیس و حالت زنانه خانمها وجود دارد؟ (Crites 1973). سؤال را به نحو دیگر بیان می کنیم. آیا کارها و وظایف پلیس برای یک زن بسیار سخت نیست؟ (Armat 1975)

سرانجام چه وظایف و کارهایی را آنها واقعاً می توانند انجام داده و از عهده آن بر آیند؟ (krucken bery). بطور کلی، الگوهای جنسیتی هر دو گروه، مشکلات و مسائل خاصی را در فعالیتهای روزانه پلیسی ایجاد کرده است. (Heffner 1976). همانطور که تحقیق حاضر نشان می دهد، زنان مجبور هستند با جدیت عمل کرده و نظریات مخالف موجود نسبت به آنها را که مسائل جنسیتی و عدم توان جسمی زنان را در هنگام مواجه با خطر و وظایف پلیسی مطرح می سازند، تغییر دهند. (Stem 1976).

۱,۱. تاثیر آنها در رشد

ظهور حضور زنان در فعالیتهای پلیسی به نظر می آید بذرهای امید به تغییر طرز تلقی‌ها در مورد زنان پلیس را پاشیده است. (Suttox .C arlson 1977). از نظر عمومی با توجه به تقویت و بهبود قانونی در این باره، یعنی فعالیتهای شروع شده در اواخر سالهای ۷۰، بهر حال، دیدگاه‌ها و طرز تلقیهای مردان در حالت کلی توجه به زنان پلیس، نسبتاً منفی بود ولی در یک بررسی انجام شده، نشان داده شد که زنان پلیس به عنوان بخش خاصی از نیروهای پلیس در نظر گرفته شدند و لازم است با محدودیتهای شغلی فعالیت کنند مثل بخشهای جلوگیری از جرم، مردان پلیس تمایل خاصی به مشاغل مربوط به گشت‌زنی را داشته چراکه اساساً یک شغل مردانه است و به قدرت بدنی بالاتری و توان جسمی بیشتری نیاز دارد. اکثر افراد تحت مصاحبه از قبول ایده کار پلیسی به این صورت که کار اجتماعی در نظر گرفته شود امتناع ورزیده و این مسئله را نپذیرفتند. (john 1979) تحقیقات نشان می‌دهد که حتی اگر به زنان نگاهی منفی وجود داشته باشد، حضور وسیع و همه جانبه آنها و همکاریها و فعالیتهای خوبی را که طی کار با پلیس انجام و ارزیابی می‌دهند، در نهایت نکته‌های مثبت حضور آنان را بارزتر کرده و این دید منفی را به تدریج از میان بر می‌دارد. حضور آنها (زنان) ظاهر انسانی‌تری به پلیس داده است (Susini, 1977, Hilton 1976) و یا حداقل تلاشها را متمرکز کرده تا این مهم بیشتر تحقق یابد. این موفقیت نسبی موجب شده تا تغییر نگرش منفی مردان پلیس به فعالیت و حضور زنان در این عرصه ایجاد شده و فرصتهای جدیدی را برای آنها فراهم سازد. (sturt 1975) البته این امر تقریباً تا سالهای ۹۰ که توجه به موضوع حضور زنان بیشتر ظهور پیدا کرد، طول کشید.

علاوه بر این، مزایای بسیار دیگری، به دلیل حضور زنان در کارها و تغییر نگرش منفی نسبت به نقش آنها بدست آمد، زیرا با توجه به خشونت‌های اعمال شده از طرف پلیس (مردان پلیس) در شکایتهای عمومی کاهشی قابل توجه بوجود آمد و در خدمات پلیسی افزایشی قابل توجه ایجاد شد. از دیدگاه عملیاتی باید گفت که خانمها بدلیل وضع ظاهری خاصی که دارند نظارت بر عملکرد آنها ساده‌تر است.

شایستگی های زنان به عنوان ابرازی بازدارنده و مبارز

سئوالات زیاد در مورد شایستگی و صلاحیت زنان پلیس، منجر به انجام دادن تحقیقات و بررسی های بیشماری در این مورد گردید. مهارتها نه تنها به عنوان اجزای اصلی بسیار برای جلب توجه همکاران مرد و رؤسای آنها مطرح است، بلکه بهترین و ارزشمندترین وسیله ارتقا و کسب درجات بالاتر نیز به حساب می آید. عامل کلیدی برای کسب موفقیت در یک راهکار ساده که هنوز قرار است توسعه و گسترش داشته باشد، آموزش طریقه دست یابی به آمادگیهای مورد نیاز برای عبوری موفقیت آمیز در آزمونها و مراحل ارتقای شغلی است. (knoohaizen 1974) مهارتهای گوناگون زنان، شخصیت و ویژگیهای آنها، تخصص، عملکرد، طرز تلقی‌های آنها و منابع تبعیض مورد بحث برای آنها، حیطه‌ها و حوزه‌های مشخصی هستند که بدقت مورد بررسی و کاوش قرار گرفته و به صلاحیت و شایستگیهای زنان توجه شده است. اجازه دهید بطور کلی و حتی به طور کاملاً جزئی جنبه‌هایی از این تحقیقات ویژه را بررسی و مورد کنکاش قرار دهیم.

۲.۱. مهارتهای ویژه زنان

براساس یافته‌هایی که در مورد زنان وجود دارد، در مقام کسانی که ماموران قانون می باشند، سئوالی مطرح شده که آیا زنان از توانایی انجام وظیفه همچون

مردان پلیس برخوردار هستند و آیا توان اجرا و انجام دادن ماموریت‌های محوله را دارند. (Bartlett 1977) آیا مستحق دریافت حقوقی یکسان با مردان می‌باشند؟ (Torne 1972). سؤال واقعی این بوده است که آیا زنان مجاز به اجرای تمامی وظایف پلیسی، حتی شامل کارهای مربوط به گشت زنی نیز باید باشند؟ (p.d.1973 Los Angeles). پاسخهای مثبت به تحقیق عملی بالا داده شده است. در واقع این تحقیق کمک کرده است که این مطلب ثابت شود که در راس فعالیتها، زنان پلیس مانند مردان از شایستگی لازم برخوردار می‌باشند. با این شرط که آموزش و نظارت کافی و شایسته ای را دریافت نمایند. (cloark.1978)

باید توجه داشت، بهر حال تحقیق نشان می‌دهد که زنان پلیس هنوز محتاج التفات و مورد توجه قرار گرفتن هستند و طی این دهه وظایفی که بطور سنتی برای آنها اختصاص داده شده یا در بخشهای جرایم جوانان یا کارهای دفتری است چون تناسب بیشتری با ویژگیهای آنها دارد. (Home 1975)

در اینجا سؤال در مورد مستندسازی تفاوتها با مردان مطرح نیست، اما توجه به این موضوع که چطور وضعیت، اثربخشی عملکرد زنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بسیار مهم است. یک منشأ خاص در میان سایر منابع وجود دارد که ناشی از یافته های جدیدی است که مطرح می‌سازد زنان به لحاظ جسمی به قدرت و قوت مردان نمی‌رسند و محدودیت‌های خاصی را در انجام وظایف محوله دارند، ولی در حال حاضر، همانطور که نشان داده شده است، قدرت زنان در توانایی آنها برای به حداقل رساندن خشونت و جرم در موقعیتهای گوناگون مهم است و باید مورد توجه قرار بگیرد زیرا زنان در این مورد دارای مهارت و تسلط بهتر و

کامل تری می باشند (pownall 1978). علاوه بر این، یک موضوع مهم و بسیار بحث برانگیز که مربوط به ثبات و دوام احساسات زنان پلیس است، تشخیص و تمایز کار درست و غلط عملکرد آنها می باشد. در برخی از روشهای مطرح، ذکر شده است که زنان پلیس با سایر زنان متفاوت بوده ولی در مقایسه با مردان پلیس از شکنندگی و ظرافت بیشتری برخوردار می باشند. در ابتدا اجازه دهید بگوییم که در مقطعی از زمان یک خانم درگیر با کارهای پلیسی این گونه است و به نظر می آید از چنین شرایطی برخوردار باشد، یعنی در مقایسه با مردان پلیس بسیار ضعیف و حساس است در مقایسه با همکاران مرد خود تفاوتی دارند.

مشخصات و تخصص های مربوط به زنان پلیس

قبلاً در اوایل دهه ۷۰، مشخصات زنان پلیس و ویژگیهای کاری مورد نیاز در ایالات متحده تعیین شده بود. سن متوسط ۳۵ سال بود، ۳۵٪ دارای آموزشهای دانشگاهی بودند و ۲۰٪ اقلیتهای آشکار بودند. آنها قبلاً دارای مشاغل چون پرستاری، کار آموزشی، کار در بخش اجتماعی بوده و در رشته های کاری مربوط به خود فعالیت می کردند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دلیل اصلی آنها برای پیوستن به فعالیتهای پلیسی و وارد شدن ایشان در مقام زنان پلیس، نیاز خاص آنها برای تامین امنیت بوده و به همین دلیل در راه رسیدن به هدف فوق تلاش کرده اند.

یافته های مربوط به این امر، که بطور خاصی با زنان پلیس مربوط است نیاز به ارزیابی مجدد دارد با دقت نظر بیشتر و برای تایید بهتر بحث، تحقیقات نشان می دهد که تفاوت های خاصی در فرآیند های اجتماعی سازی به وجود می آید، که ادعا شده زنان در درون ساختار تکمیل شده اند و نه در درون

فرهنگ (MCGeorge.Wolf1970) تحقیقات بیشتری انجام داده شد تا ارزیابی و بررسی «مشخصه کاری» واقعی زنان پلیس انجام شود؛ این ارزیابی در برگیرنده این مفهوم است که تمایزی خاص بین آن دسته از کسانی که برای پایداری و ثبات معیارها و استانداردهای گروه های شغلی، خودشان درمیل به توسعه برخی شکلهای صداقت و وفاداری تلاش کردندو آن دسته از کسانی که منبع درآمدی را مورد توجه قرار دادند وجودداردکه لازم است مورد بررسی قرار گیرد. (Martin 1979). این تمایز (تفاوت) مسئلهای پیچیده و بغرنج را شکل می دهد که به نظر می آید ریشه در این واقعیت داشته باشد که اشتغال زنان در کارهای پلیسی و انتخاب آنها برای مشاغلی این چنین، به دلیل مسائل فرهنگی و سازمانی و بحثهای درآمدی است. حضور زنان در کارهای پلیسی تاثیرات و بازتابهای دیگری را نیز به همراه داشته است به طوریکه در سایر مشاغل و حتی در کارهای مربوط به امور مذهبی نیز حضور ایشان مطرح شده و افق های تازه ای باز گردیده است.

به عبارت بهتر، حضور زیاد زنان و نقشهای آنها، انواع نقشها و مدلهای دیگر حضور زنان را در عرصه های گوناگون و حتی در مشاغلی که بطور سنتی در حیطه های پلیسی پذیرفته شده بود درحیطه های امنیتی، فراهم آورد و از تنوع لازم برخوردار سازد. (vagtola,1977)

عملکرد آنها

ارزیابی وظایف منظم پلیسی مثل گشت زنی، سرویس کردن سلاح هفت تیر، هماهنگی با همکار خود، نشان می دهد که در بررسی تفاوتها در مهارتهای زنان و مردان، زنان نیز از ظرفیتهای یکسانی مانند مردان برخوردار بوده و توان لازم را

برای انجام کارهای ارجاع داده شده دارا باشند. (Melchionne 1974,Rosen)
 .(blom 1977).

هنوز ، زنان قوانین و مقررات را به طور کاملاً متفاوت بکار می‌برند و در بررسیها اینطور در نظر گرفته شده اند که پرخاشگری و سلطه جویی کمتری دارند و به برقراری روابط تمایل بسیار دارند . همچنین به نظر می‌آید آنها در مقایسه با همکاران مرد خود از عصبانیت و تحریک پذیری کمتری برخوردار هستند . (Green wald 1976,ARMAT 1975) به عبارت دیگر، آنها آرامش و ثبات شخصیتی بیشتری دارند. به همین جهت ، عملکرد زنان پلیس در آمارگیریهای مربوط به تعداد دستگیر شدگان ، قبضهای صادر شده ترافیکی ، گزارش تصادفات ، ارزیابی سرپرستان ، مورد ارزیابی افکار قرار گرفته شدند . این داده‌های آماری از طرز عملکرد زنان پلیس ، بخوبی آشکار کرد که عملکرد آنها (زنان پلیس) برابر با عملکرد مردان پلیس بوده و تفاوتی از این نظر ملاحظه نمی‌شود . (Shenman 1975)

بنابراین، متوجه شدند که زنان پلیس مورد اشاره، کاملاً توانمند هستند آنها همچون همکاران مرد خود برای انجام وظایف جاری و کارهای گشت زنی و کارهای ارجاع شده به آنها آمادگی لازم را دارا می‌باشند. (1970 Andesson)

نگرش ها

سئوال دیگری که مورد بررسی و بحث قرار گرفته نگرش افسران مرد نسبت به عملکرد زنان پلیس همکار خود می‌باشد . این افسران و یا افسرانی که در آینده مشغول به خدمت در یگانهای پلیسی می‌شوند، مدعی شده‌اند که همکاران خانم

آنها (زنان پلیس) در انجام دادن فعالیت در شرایط خطرناک از توان خوبی برخوردار نیستند و هنگام خطر کنترل خود را از دست می دهند. یک مطالعه در این باره انجام شده است، به عنوان مثال توان یک همکار زن در یک گروه ویژه در شرایطی که برای سرویس کردن هفت تیر خود اقدام می کند بررسی گردید و نتایج خوبی بدست آمد که نشان از توان آنها داشت. به نظر می آید که حضور یک خانم، تاثیر لازم را بر روی واکنش تیراندازی مردان دارد. آنها کمتر به شلیک گلوله متمایل بوده و البته اشتباه کمتری را نیز مرتکب می شوند، علاوه بر این، وجود یک زن و یک مرد در گشت منجر به درگیری و تنش کمتری به هنگام عملیات و اجرای دستورات می شود، ولی هنگامی که دو زن برای ماموریتی خاص در نظر گرفته شوند، درگیری و منازعه بیشتر می شود و با همدیگر چندان سازگاری ندارند. (Sichel 1978)

منابع تبعیض

طی دهه ۷۰ زنان پلیس پیشرفت چندانی در سازمان نداشتند. در تشریح این وضع می توانیم به وجود منابع گوناگون تبعیض و فشارهای پیاپی و خاصی که با آنها مواجه بودند اشاره کنیم. در میان منابع مثبت و فعال، اعمال تبعیض نیز که ثبت شده وجود دارند. (lehtine 1977) برخی از آنها در ابتدای دوره کاری واقع شده اند به این معنی که شامل فرآیندهای آموزشی اولیه و گزینش می باشد. نوع امتحانات گزینشی برای خانمها کاملاً متفاوت هستند. برنامه های تبعیضی مثبت پیشنهاد شده که در بین آن روشها و تکنیکهایی برای جمع آوری و ساماندهی دیدگاه های زنان پلیس وجود دارد. (Britt.1997). در یک روش و سبک یکسان، راهنماییهایی برای اطلاع رسانی در مورد روشهای بکارگیری گزینش صحیح،

برای فرصتها و شرایط تخصصی پلیس طراحی شود و انواع کارهایی را که انتظار است انجام داده شده به قدر کافی توسعه و گسترش داده‌اند. (Muro, 1979, Mccauley, 1976, Aramit 1974).

علاوه بر این، حتی هنگامی که آموزش اولیه یکسان است، آنچه که باعث تفاوت در بین زنان پلیس و همکاران غیر هم جنس آنها می‌شود، وظایف گوناگون و مسئولیتهای در نظر گرفته شده پس از آن است. نه تنها وظایف مورد نظر برای اجرا بعد از بدست آوردن تخصص طی دوره های حرفه ای یکسان نیستند و تنوع زیادی دارند، بلکه دسترسی لازم برای ارتقای آزمونها و ارتقا در شرایط محدود نیز متنوع است و دارای تغییر و تحولات زیادی است.

در سال ۱۹۷۶ به عنوان مثال تعداد ۴۶ نفر از خانمها در انگلستان وولز ارتقا یافتند در حالی که در سالهای بعد، فقط تعداد ۳۸ نفر ارتقا یافتند که در مقایسه با سالهای قبل کاهش داشت.

در سال ۱۹۷۴، اداره پلیس شیکاگو با تعدادی بیش از ۱۴۰۰ عضو تشکیل گردید که ۱٪ آنها خانمها بودند. فقط یک نفر به عنوان پست سرپرستی به خدمت گرفته شد (Knoohuisen, Gutman 1974).

شکلی دقیق از تبعیض، برای خانمهایی که بطور فعالانه تخصص (آموزشهای حرفه ای) کاری را پی گیری می کنند، وجود دارد. باید توجه داشت که حضور زنان دارای تاثیری خاص بر همکاران مرد خود بوده و به دلیل تعامل و نزدیکی ارتباط با همدیگر، ازدواج و مسائل زناشویی به خطر می افتد، مخصوصاً هنگامیکه گشت‌های سیار انجام می شود، این حالت ممکن است رخ دهد. (Gutman, Krunenherq 1974)

خلاصه

با توجه کافی خواهیم فهمید که موضوعات تحقیقی بسیاری در مورد این دهه وجود دارد که به نوعی سلامت و صحت اطلاعاتی در مورد مهارتها، منابع، چهارچوبهای لازم در بحث تبعیض در مورد زنان پلیس را تشکیل می‌دهد. به طور ساده، می‌توانیم بگوییم که سئوالات و مسائل تحقیق در جستجوی بررسی کامل انواع شخصیت خانمها و رفتارهای خاص آنها می‌باشد. سئوالات فوق بطور کاملاً واضح برای موسساتی که در حال جذب و بکارگیری کمتر خانمها هستند مطرح شده تا با خانمهایی که تلاش می‌کنند پذیرفته شده و موقعیت خاصی را بدست آورند. از زمانی که خانمها مراحل و درجات پلیسی را به خوبی طی کرده و در این حیطه به خوبی ظاهر شدند، نیاز به ارزیابی مهارتی آنها در اجرای وظایف پلیسی محوله وجود داشته است. از این رو مقایسه و ارزیابی هایی در این باره ارایه و انجام شد و نتایج بدست آمده از نحوه عملکرد آنها مورد تجزیه و تحلیل خاص خود قرار گرفت. ما از خودمان می‌توانیم سؤال کنیم که این چنین تحقیقاتی برای جلوگیری از اشتباهات طبیعی این نیروهای جدید نبوده، بلکه هدف توقف و رفع مسائل و مشکلاتی است که به طور اجتناب ناپذیری پیش می‌آید و مثل همه مشاغل دیگر قابل بررسی و پیش بینی لازم می‌باشند. برای سالیان متمادی، تصور شبه نظامی گری پلیس، حضور و ورود آزاد خانمها را در عرصه فعالیت های پلیسی مانع بود و جلوگیری کرد. قوانین ضد تبعیض تأثیر عمده‌ای در سیاستهای اجرایی جدید نیروهای پلیس داشت و تغییر و تحولات عمده ای را موجب گشت.

سایر موانع و مشکلات، انتخاب تبعیض آمیز برای برنامه های ارتقا و آموزش بوده که مشکلات خاصی را برای حضور زنان در فعالیتهای پلیسی فراهم آورده

است. معیارهای جسمی که براساس قدرت فیزیکی و جسمی است در میان سایر چیزها، یک سیستم تقریباً مشکل ساز را برای خانمها بوجود آورده و آنها را از این حیث که با مردان تفاوت دارند با مشکلاتی مواجه ساخته است .

مطالعات ، تحقیق و بررسی عقاید، شروع شده تانشان دهد که مردم مخالفتی برای حضور زنان در عرصه فعالیتهای پلیسی نداشته حتی از آن استقبال کردند. بیشترین مخالفت ها به خود سازمانها مربوط می شود، مخصوصاً در شرایط خاص، مثل انجام فعالیتهای گشتی که از سوی همکاران غیر همجنس ابراز می شود و آنها معتقد هستند چه از نظر سازمانی و چه از نظر مسائل شهروندان و کسانی که دچار آسیب و لطمه های ناشی از جنایت می شوند مسائل گوناگونی بوجود می آید. همچنین مطرح کرده اند که زنان پلیس از کارایی لازم برخوردار نبوده و در مواقع لزوم و اضطرار نمی توان از آنها استفاده بهینه کرد چرا که از توانایی انجام دادن کارها در مقایسه با مردان برخوردار نیستند.

بخش دوم . منابع فشار و تبعیض علیه زنان پلیس

اگر چیزی وجود دارد که قطعی است ، این مطلب است که تعداد زیادی از زنان، امروزه وارد عرصه فعالیتهای پلیسی شده و حضور خوبی را در این عرصه از خود نشان می دهند . این یک ایده انقلابی است و مورد توجه قرار گرفته است که زنان پلیس شرایطی را که برای ماندن لازم است فراهم آورده و حضور خود را تثبیت کرده اند. ارزیابی عملکرد زنان در مورد ساختارها و ترکیب پلیس بسختی انجام شده ، و با موانع بسیاری روبرو بوده است . همانطور که می توانیم ملاحظه کنیم ، برای مدتی بیش از یک دهه حاضر ، زنان پلیس، موضوع اصلی تحقیقات بسیار زیادی بوده که از آن جمله شایستگی های ایشان در انجام وظایف مرتبط با فعالیتهای پلیسی است. اگر چه امروزه زنان پلیس در عرصه های پلیسی

فعال هستند. هنوز به عنوان یک پدیده نسبتاً جدید در تحقیقات مطرح می‌باشند. طی سالهای ۸۰، موضوعات تحقیق وارد مرحله جدید تری شده و از پیچیده گی بیشتری برخوردار شد. به عنوان مثال سؤال کردن در مورد اینکه آیا زنان توانایی اجرای وظایف خود را به طور صحیح دارند یا خیر کم اهمیت شد و بیشتر به این موضوعات پرداخته شد که منابع فشار که توان ایشان را محدود می‌سازد تعدیل شده و آنچه که مانع انجام خواسته‌ها و وظایف زنان پلیس بوده برطرف گردیده و تسهیلات لازم ارایه شود تا فعالیت آنها بخوبی منشأ اقدامات موثر و مفید برای جامعه باشد.

علاوه بر این، تعیین کردن این موضوع که آیا تحقیق در مورد زنان پلیس عرصه فعالیت‌های آنان را افزایش داده است غیرممکن است. ما تمایل داریم باور کنیم در این مورد، براساس داده‌های رایانه ای، کارهای مرجع تحقیقاتی برای نقش زنان پلیس کاهش قابل توجهی داشته است. این مسئله ثابت شده است. بهر حال، یک واقعیت غیر قابل انکار این است که زنان بطور قطع خود را در موقعیت پلیسی می‌دانند و خود را فعال این میدان یافته اند.

با این همه، این مشکلات خاصی که وجود دارند برطرف نمی‌کند و آنها همواره در معرض مسایل و مشکلاتی قرار دارند. طی بررسی‌های انجام شده در آمریکا، مسائل آزار جنسی و تبعیض آمیز بسیار رایج‌تر بوده و مشکلات عدیده‌ای را برای زنان فراهم آورده به طوری که حتی قابل تصور نیز نیست (Time mins, Hamminworth. 1989).

نقش زنان در فعالیتهای پلیسی

یک موضوع اساسی و جدید و در حال ظهور، نقش خاص زنان در پلیس است. این موضوع به تنهایی دارای انشعابات و جنبه‌های گوناگونی است که گواه

برپيچيدگي بحث و اهميت موضوع حضور زنان در عرصه فعاليتهاي پليسي است. با ساماندهي نقش زنان پليس به نظر مي آيد تعيين و تبين موضوع از چندين نقطه نظر بايد انجام شده و همه مسائل مرتبط را مورد توجه قرار داد. مسائلي چون ارزشها، باورهاي پليسي، منابع فشار و تبعيض، مکان و موقعيت آنها در سازمان، تصوير زنان پليس و تخصصها و موفقيتهاي برخي از آنها و... مي بايد مورد توجه قرار گرفته و موضوعات آنها با جزئيات مربوط به آن مورد ارزيابي مجدد واقع شود.

در سال ۱۹۸۸ نتايج بررسي انجام شده در ميان زنان پليس آمريکا و كانادا، آشكار ساخت كه زنان داراي اين احساس بوده اند كه بطور كاملاً كافي ماموريت كاري و فرصتهاي برابر و خوبي براي انجام وظيف محوله خود داشته اند. به هرحال در اظهارات يك خانم پس از كسب سالها تجربه، مطرح شده كه او كمتر به توصيه كار پليسي به عنوان يك دوره رسمي تمايل دارد. (Garrison, Grant, 1988) همچنين او متوجه شده است كه زنان پليس در مواجهه با مقاومت، سوء استفاده و ساير مسائل مرتبط با موقعيت آنها بوده و تلاش زيادي بايد انجام دهند تا بتوانند از عملکرد خود دفاع كرده و در مقام افراي حرفه اي، با توجه به اينكه داراي ويژگي هاي خاص زنان هستند عملکرد خود را مطرح نمايند. (Jacobs, 1986). و البته همه اين مسائل مانعي براي حضور جدي و كامل ايشان در امور پليسي نبوده و هرروز اين موانع كمتر شده و شرايط دگرگون مي شود.

ارزشهای مربوط به زنان پلیس

يكي از موضوعات نسبتاً جديد در بحث زنان بحث ارزشهايي است كه از آن به عنوان ارزشهاي زنان پليس ياد مي كنند. در تلاش براي بررسي ارزشهاي فوق

در برابر ارزشها و باورهایی که بطور سنتی از زنان، درک شده محققان موقعیت واقعی زنان را با چالشهایی روبرو کردند که نه تنها در کل وظایف شناخته شده آنها به عنوان مونث مطرح است بلکه در محیط و شرایط عمومی نیز صدق می کند.

به عنوان مثال، در مطالعه‌ای علاقه و توجه زنان به آنچه که بطور سنتی مشاغل خاص مردان شناخته شده ارزیابی گردیده و نویسنده متوجه شده که زنان دارای علاقه ای مشخص به مهارت‌های تخصصی و مرتبط با نقشهای سنتی بوده اند. در این نوع تحقیق مشخص شد زنان ماهر تر بوده و در نقشهای سنتی نشان داده شد که البته آنها به کارهای پلیسی در میان سایر چیزها از علاقه کمی برخوردار هستند. ما می توانیم بفهمیم چرا سؤال بعدی پرسیده می شود. یعنی این سؤال مطرح می گردد که آیا زنان پلیس ارزشهایی را دارا هستند که حتی قابل مقایسه با سایر خانمها می باشند؟

برای فهمیدن این واقعیت شخص نیاز دارد یک قدم پیش تر بگذارد که زنان پلیس دارای علائق خاصی هستند و اخیراً مشخص شده که توجه آنها به امور پلیسی بیشتر از مردان است و از ذهن بازتری هنگام روبروشدن با مسائل برخوردار می باشند و همچنین دارای تمایل خاصی دارند برای مقابله با مسائل کاری که در حیطه های پلیسی و در اطراف آنها وجود دارد. (Homant 1981)

قالب هایی که (چهار چوب هاییکه) بطور کاملاً عمیق طرز فکرها و ذهنیتها را تحت تاثیر قرار می دهد نه تنها هنگامی است که زنان وظایفی را بر خود فرض می دانند بلکه طی دوره آموزشی نیز این گونه می باشد. (pop. 1986). یک مطالعه تکمیل شده در باره این جنبه خاص نشان داد که روشهایی را که زنان در پیش گرفته و به خدمت می گیرند بسیار مورد رضایت آنها بوده و آموزش ارایه شده

به آنها ریشه در مسائل اجتماعی و آرایه تصویری مناسب در این باره است که بیان می‌کند زنان پلیس برای وظایف پلیسی، امور گشت سیار نیز مناسب و یکسان با سایر همکاران خود هستند. (pike 1985).

موقعیت (مکان سازمانی) در سازمان

موقعیتی که زنان پلیس در ساختارهای سازمانی به خود اختصاص داده و آنرا حفظ نموده اند، مسئله ای را مطرح می‌سازد که به نظر می‌آید رشد و ترقی زنان در زمینه کارهای پلیسی تایید گردیده است. اکنون، تقریباً ۱۵ سال پس از پذیرش قوانین ضد تبعیض در ایالات متحده، طی یک بررسی در این باره (در سال ۱۹۸۷)، این کشور دارای تقریباً ۹۰۰۰ پرسنل زن پلیس بوده است. (Sulton.townsey 1981) بیش از ۱۰ سال بعد، یعنی در سال ۱۹۸۹، مطالعه دیگری انجام شد که ادامه مطالعه سال ۱۹۸۴ بود. در مطالعه فوق متوجه شدند که یک اقلیت بسیار کوچکی از این افراد درجات ثابت نظامی را گذرانده و به سطوح بالاتری در فعالیت خود رسیده اند، به طوری که حتی بعنوان رئیس یک بخش نیز مشغول به انجام وظیفه شده اند. در سال ۱۹۸۹ RCMP دارای تقریباً ۳۰ پلیس خانم بود که به عنوان زنان دارای درجه سرجوخه در بخشهایی چون بخش آموزش در آکادمی Regina و در گروه‌های تاکتیکی مشغول به کار بودند. (Anonymous, 1989). در Ontariu در نتیجه سالهای ۸۰، زنان پلیس فقط ۲/۷٪ پرسنل پلیس را تشکیل می‌دادند. یک گزارش در این باره شرح داده است که، در واقع، تعداد بسیار کمی از نیروهای پلیس هستند که معتقدند از خدمات زنان در فعالیتهای ویژه کمتر استفاده شود. علاوه بر این، در مواردی که آنها اتفاقی جزو نیروهای پلیس می‌گردند. اغلب در درجه‌ای ثابت محدود شده‌اند چراکه قالبهای خاصی تصور وجود پلیس زن مرتبط است همچنین به دلیل

فرصتها و یا عدم شرایط مناسب ارایه شده از طرف سازمان محدودیتها و مسائلی برای آنها به وجود آمده است. (price, 1985)، بر اساس یک بررسی انجام داده شده در میان رؤسای ادارات پلیس آمریکا، زنان در حال حاضر به تمامی سطوح و درجات کاری دسترسی پیدا کرده اند اما در واقع، زنان پلیس با مسائل داخلی سازمانی زیادی مواجه هستند، ولی با شهروندان تقریباً مسئله و مشکلی ندارند. آنها می باید به نوعی خاص با انواع پیش داوریهها و قضاوتهایی که در فضای کادر پلیسی انجام می شود مواجه مناسبی داشته و از عهده مسائل مطرح شده برآیند. اغلب اوقات آنها در پشت میز دریافت گزارشات و یا پشت میز اداری قرار گرفته و کار می کنند یا اینکه با کارهای مربوط به جوانان در بررسی پرونده های ویژه درگیر هستند.

در مقابل Ontario در مطالعه ای، گزارش شد که، طی نیمه سالهای ۸۰، ۷۷٪ زنان پلیس برای وظایف عمومی پلیس در نظر گرفته شده بودند (canda, 1986). یافته های مربوط به مطالعه، ارائه سیاستهای جذب و بکارگیری زنان را مانند برنامه های اطلاعاتی برای ملاحظه عمومی، بکارگیری زنان واجد شرایط در نیروهای پلیس پیشنهاد داد.

به دلیل انجام مطالعات دیگر در اواخر سالهای ۸۰ که با مباحث امروز مرتبط است، متوجه شده اند که وضعیت زنان در کارهای پلیسی همچنان در حاشیه می ماند تا زمانی که سیاستهای استخدامی و فرصتهای لازم برای ایشان فراهم شود و تغییرات لازم بطور معنی داری ایجاد و اعمال گردد. (price 1982).

تصویر ارایه شده از طرف زنان پلیس

تصور و دیدگاه های ارایه شده عملکرد زنان پلیس به واسطه موفقیت آنها در

تمامی مراحل کاری و حرفه ای ایشان، همانند دیدگاههای همکاران مرد خود آنها نمایش داده شده و تقویت گردیده است.

ادراکها و تصورات

یک سؤال مهم مطرح می شود که در مورد چهارچوب های خاص وابسته به زنانی است که باید در قالب افسران پلیس متعهد شده و انجام وظیفه کنند. در بررسی مسائل جمعیتی آشکار شده که زنان دیدگاه و نگاه مثبت تری در باره انجام وظیفه پلیس دارند و در مقایسه با مردان برای انجام کارها از رغبت بیشتری برخوردارند. (Koenig, juni 1981).

در مطالعه دیگری که درباره زنان پلیس انجام شد نشان داده شد که دیدگاه به همکاران مرد، در مناطق جنوبی ایالات متحده، این گونه اظهار می شود که زنان دارای قدرت کافی برای انجام کارهای گشت زنی، مخصوصاً در مواقع بروز خشونت و درگیری نیستند. مردان ترجیح می دهند که با همکاران مرد خود کار کنند. زنان پلیس خودشان این احساس را دارند که در شرایط و موقعیت خشونت از قدرت کشتن کمتری برخوردارند و به از بین بردن مجرمین در هنگام درگیری تمایل ندارند. به هر حال، گفته شده است که هر چقدر که مردان پلیس با همکاران غیر همنوع خود کارکنند، تمایل و نظر آنها تغییر کرده، و طرزفکر ایشان نسبت به این همکاران عوض خواهد شد. (Slweman1982Vega).

زنان پلیس علاوه بر انجام وظایف خود در برخورد با مجرمین وظیفه دارند که در برابر تغییر نگرش و قالب های کلیشه ای برخورد پلیس، زنان پلیس فعال بوده و تلاش کنند تا از طریق گذراندن دوره حرفه ای و کاری مشخص، در مقام یک

زن پلیس باید بطور کاملاً ثابت همکاری و تعاملهایی با هر دو نوع همکاران مرد و زن خود بطور مشابه و همسان داشته باشند، اگر چه از برخی جهات مشکلاتی نیز وجود دارد. آنها باید تلاش کنند که تصویری برجسته از خود ارایه کنند، گفته شده است که تلاشهای زیادی باید از سوی زنان پلیس انجام گیرد. فرآیندهای ضد فمینیستی (ضد طرفداری از زنان) بدون آنکه چیزی بگوئیم، مطرح می شود، برای زنان بسیار خاص و منحصر به فرد است و می تواند منازعاتی را نه تنها در محل کار، بلکه در خانواده و حتی در زندگی شخصی آنها ایجاد نماید. (Berg, Buelnidj 1986)

دوره‌های حرفه‌ای و موفقیت‌های زنان پلیس

چرا یک زن، پلیس می شود و منحصر بفرد باقی می ماند؟ به عبارت دیگر چه فاکتورهایی وجود دارد که بتواند بطور مثبتی بر زنان تاثیر بگذارد تا به فعالیت پلیسی و طی درجات آن روی آورند.

در ابتدا، به نظر نمی آید که تفاوت‌هایی بین انگیزه های مردان و آن دسته از زنانی که جزو نیروهای پلیس شده اند وجود داشته باشد. اکثر آنها، Wilfe اظهار کنند که امنیت و ثبات شغلی می تواند مهم ترین فاکتور باشد و به نظر نیز چنین می آید. ادراکات و تلقی و برداشت مردان و زنان با توجه به دلایل پیوستن آنها به پلیس، بطور قابل توجهی یکسان و شبیه به هم می باشد. سؤال دیگری که او مطرح می سازد این است که چرا در پلیس می مانند و به فعالیت خود ادامه می دهند؟ فاکتور بسیار تصمیم ساز این است که مزایای اجتماعی با شغل و دستمزد و منافع اقتصادی آن و چالشها و هیجاناتی که در این شغل وجود دارد مهم بوده و انگیزه باقی ماندن در فعالیت پلیسی را بیشتر کند، همچنین فرصت

برای انجام کار و حرفه ای مشخص، نیز مهم است، مخصوصاً برای آن دسته از پرسنل زن پلیس که دارای سه سال سابقه کار یا کمتر هستند، این بحث مهم است .

زنان پلیس خیلی سریع متوجه شدند که تعداد کمی از آنها بطور واقعی ارتقا یافته‌اند و درجات شغلی را طبق سلسله مراتب سازمانی خود دریافت کرده اند . (poole 1988) به نظر می آید فرصتهای ارتقای محدود شده فاکتور مهم و تصمیم سازی در زندگی و فعالیت باشند.

علاوه بر آن یک تحقیق دقیق ، همراه با جزئیات لازم در سالهای پایانی دهه ۸۰ دوازده جنبه مهم و مرتبط با زنان پلیس را بررسی کرده و مطالب قابل توجهی را در این مورد نشان داد. زمینه کاری ، خانواده ها ، سبک زندگی ، شخصیت ، ارزشها ، نگرشها ، منافع تخصصی و شغلی ، تشویقها و رضایت مندی ، فاکتورهای فشار ، سبک فعالیت پلیسی ، طریقه های واکنش ، روابط اجتماعی ، مسائل و رای شغلی ، خانواده و نقشهای مرتبط و غیره مسائلی است که در این تحقیق عرضه شده است . (lunneborgi 1989)

به نظر می آید که تمامی این جنبه ها می باید به توان نگهداری کردن وضع زنان پلیس در وضعیت حرفه ای و شغلی آنها و برای تسهیل ، تکمیل هماهنگی و آماده سازی ایشان جهت دریافت ارتقای لازم به درجات و رتبه های ارشد مدیریتی مرتبط شود .

منابع فشارها و تبعیض

منابع فشار و تبعیض که زنان با آن آشنا هستند در شرایط کاری در سازمانهای ایالتی مسائلی را برای ایشان فراهم نموده، ولی به طور خاص ترو بویژه در

درون فعالیت پلیسی ایشان، این منابع مسائل گوناگونی را موجب شده و وضع خاصی را همواره برای آنها رقم زده است.

مشکلات و مسائل زنان پلیس

منابع گوناگون فشار و مشکلات بر روی پرسنل زن پلیس، و شغل آنها شناسایی شده اند و امروزه قابل ملاحظه می باشند. تحقیقات در این مورد نشان می دهد که زنان دارای برخی مزایا در مقایسه با مردان هستند. آنها خیلی سریع تغییر می کنند و تغییر را می پذیرند. آنها با مسائل سرنوشت ساز بهتر می توانند کنار بیایند (تحمل سرنوشت برای ایشان سهل تر است)، از ذهن بازی برخوردار هستند هنگامی که انگیزه و اشتیاق لازم را داشته باشند و خیلی تفاوت‌های اساسی دیگر هست که خود مزیت کاری ایشان به عنوان زنان پلیس می باشد.

ولی در کل به نظر می آید که زنان پلیس به دلیل وضع خاص آنها بیشتر در معرض فشارها قرار دارند. به عبارت دیگر آنها (زنان پلیس)، بدلیل زن بودن بیشتر در معرض چنین فشارهایی که به آن اشاره کرده ایم قرار دارند و خود این احساس را دارند که تحت فشار قرار می گیرند. (1982Bass)

زنان، که بخشی از اقلیت‌هایی تحت عنوان اقلیت‌های آشکار هستند، این شرایط را تجربه می نمایند. حتی با شدت بیشتر و در مقایسه با زنان پلیس در معرض فشارهای بیشتری قرار می گیرند. (WoshingTownson, 1981, 1982, toon)

بر اساس امور پرسنلی، انتظار می رود زنان با پیچیدگیهای بسیاری در ایفای نقش خود سروکار داشته باشند. اجرای نقشهایی مثل کارگران، مادران، همسران، رئیس خانواده و... نقشهای مهمی هستند که متوجه زنان است. مواجه شدن با فقدان حمایت خالص و کارآمد کاری، آنها را با نقشهای پیچیده و سخت تر در

اعتراضات خود چه در محیط کار و چه در خانه مواجه می سازد و آنها (زنان) مجبورند با همه این مسایل به نحوی شایسته برخورد کنند. علاوه بر این ، آنها مجبورند به خودشان ثابت کنند، که توانمند و کارا هستند، مانند همکاران مرد خود و چیزی از آنها کم ندارند که البته این حالت در مورد زنانی که ارتقا یافته اند تا سطوح سرپرستی صدق می کند و آنها همین گونه هستند. (wex ler .logan .1983). به عبارت دیگر گفته شده است که فرصتهای تخصصی و کاری مانند موفقیت در کارهای پلیسی می تواند، فشارها را کاهش دهد. (pendergrass, stiove 1984).

البته، در نظر گرفتن توانایی جسمی کارهای پلیسی شک و تردیدهایی را مطرح کرده و در این باره مکرر مسایلی را بیان می کنند. اما به این معنی نیست که آنها به طور کلی، توان لازم را دارا نبوده و مشکل ساز هستند، بلکه اگر چه تفاوتهایی از نظر ساختار فیزیکی و عاطفی در مقایسه با سایر زنان و مردان وجود دارد ولی مزایای زیادی که زنان در انجام کارها دارند آنها را به فعالیت در کارهای پلیسی توانا می کند و نباید گفت که آنها در شرایط جسمی ضعیفی قرار دارند و مشکل ساز می باشند.

باتوجه به عملکرد زنان پلیس بیان این مطلب که آنها دارای احساسات زیاد و متفاوت هستند اشتباه نیست ، و اکثر زنان موفق، به دلیل وضع و موقعیت ، تغییرات بسیاری داشته و از تنوع لازم برخوردار می باشند . به هر حال آنها خودشان را به عنوان فردی با کارایی خاص، مانند مردان همکار خود در نظر دارند. و توانمندی خود را باور دارند. (Davis 1984) . آموزش برابر برای هر دو جنس مرد و زن و آموزش مشترک بر اساس مهارت، چالاکی و زبردستی می تواند مزایای بسیاری را به همراه داشته باشد.

علاوه بر تکنیکهای واکنشی منتخب، بدون دسته بندی خاص، نیروی جسمی (فیزیکی) توصیه شده، تقویت می گردد تا جبران لازم برای فقدان و کمبود توان و قدرت فیزیکی فراهم شود. (charles 1982, Home 1980, Pattenson 1980) دریک روش دقیق تر و بهتر، مطالعه ای خوب انجام شده و تلاش گردیده است. تعیین کردن اینکه چه نوع تقسیم کاری بین زنان و مردان پلیس، بر اساس تجربه کاری، جنسیت تعیین شده است و تقسیم بندی لازم بر اساس استانداردهای علمی انجام می شود.

بسیار ساده و واضح است که بحث در مورد (ارتباط) تخصیص وظایف با توجه به مهارتهای بدست آمده بواسطه تجربه های علمی، یک مخالفت عملی، یک مخالفت مستقیم به کارکرد زنان در درون ساختارهای پلیسی وجود دارد. و بحث های زیادی مطرح می شود.

تبعیض

در میان فشارها (استرس) تبعیض جنسیتی، بیشترین مشکل و ناراحتی است که خانمها از آن بسیار رنج می برند. زنان پلیس متوجه شده اند که فعالیت آنها در جهان پلیسی امروز مشکل است چون گفته می شود مردان احساس می کنند محدود شده و به خصوص اینکه مجبورند اختیارات خاصی را به آنها بدهند و این خود مشکل زااست. (Stratton, 1986) دروضعیتی که فقدان حمایت لازم از طرف یک سرپرست برای یک خانم پلیس، مخصوصاً هنگامی که او سیاه پوست نیز باشد، شرایط بحرانی به وجود می آید و مشکلاتی برای آنها فراهم می شود، بحث تبعیض و تفاوت جنسیتی را مطرح می سازد. هنگامی که مسئله کسری بودجه نیز به وجود می آید و مشکلات مالی گریبانگیر سازمان می شود

اولین کسانی که شغل خود را در اکثر بخشها از دست می دهند، زنان هستند زیرا دارای ارشدیت کمتری در مقایسه با مردان بوده و حساسیت شغلی آنها کمتر است. (Dreifus 1982) این وضع خاص در یک نوع آشکار و مشخص نشان می دهد چطور برنامه های یکسان برای اقلیتها و زنان، تسهیلات مناسب را برای خدمات پلیسی و انجام وظایف کاری فراهم می آورد. و موضوع مهم برای تغییرات سیاسی بودجه، محدودیت های قانونی است. (1981 Keege)

این شرایط احتمالی می تواند واکنش منفی به دنبال داشته باشد. باید طی یک دوره طولانی مدت برنامه ها و مقررات خاصی وضع گردد تا اهداف سازمانی و فردی به خوبی در دسترس بوده و مشکلات کمتر گردد.

نتیجه گیری

در اواخر دهه ۸۰ موضوع کارایی مجدداً مطرح می شود. سئوالاتی درباره ارزیابی عملکرد کارکنان زن و کسانی که دارای موقعیتهای سرپرستی بوده و اقلیت مشخصی را تشکیل می دهند مطرح است. سؤال در مورد کارایی، بطور کاملاً واقعی با آنچه که در بحثهای مشارکت زنان در فعالیتهای پلیسی مطرح است چندان برابر نیست و از ویژگیهای خاصی برخوردار است. به همین دلیل از تمامی نشانه ها و شواهد، چنین به نظر می آید که حضور و موقعیتی که زنان پلیس دارند و آنها حفظ می کنند تاثیرگذاری خاصی بر بروز موارد خشونت و جرایم و استفاده از این نوع نیروها داشته و تمایل به عملکرد شخصی بهبود یافته است. (vanworkmes 1981) موانعی که مشکلات و مسائلی بازدارنده را تشکیل می دهند. تکمیل واقعی عملکرد زنان در فعالیتهای پلیسی مربوط به آنها، ریشه در ویژگیهای ساختاری مرتبط با وظایف و سازمان کار و حالتیایی که طی آن

مباحث فرهنگی و معیارهای رفتاری با تفاوت‌های نوعی (جنس زن و مرد) مطرح است، دارد.

این روابط در دنیای پلیسی تقویت شده اند، آنها باید در ضمن مراحل آموزشی نزد سرپرستان و رهبران مورد توجه قرار بگیرند. (wexler 1985)

اگر زنان به طور قطع برای حضور خود در پلیس مورد تهاجم قرار گیرند مجبورند خود را با شرایط وفق داده و از نرده بان ترقی برای رسیدن به موقعیتهای مدیریتی بالا بروند. در اواخر این دهه، تحقیقات Martin در سال ۱۹۸۹ نشان داد که فقط تعداد کمی از زنان به درجه سرپرستی و مدیریت بالا در پلیس آمریکا دست یافتند.

سرانجام در تحقیقات فوق ذکر شد که چطور زنان موقعیت خود را پیدا کرده و فعالیت خوبی را در انجام دادن وظایف محوله ارایه کردند. در سال ۱۹۸۰ توضیحی Fior, Glatzle ارایه شد و مطرح گردید که موفقیت‌های یک زن پلیس تاکید بر این واقعیت دارد که او یکی از کسانی بوده که بیشترین جایزه رانیز به دلیل انجام دادن وظایف خود به نحو شایسته دریافت کرده است.

آیا آنها واقعاً هم این گونه هستند و یا باید این گونه عمل کنند؟ این یک سؤال است که جا دارد مورد بررسی قرار بگیرد.

البته همچنان بحثهایی در مورد حضور زنان، از نظر موافق یا مخالف با حضور ایشان در امور گوناگون پلیسی مطرح است که در مقالات بعدی مورد بررسی قرار می گیرند.

Reference English

1-ABRAMOWITZ,A,CRITES,L,GATES,MINTZ,E,SANDLERM,G.(1974
Women in policing.A Manual.Washington: police Foundatin.

- 2- Abrecht, M.E, STERN, B.L (1976). Making of a Woman Cop. N.y: William Morrow and Company, Inc
- 3- AMIDON, L.A (1986) (Ladies in Blue): Feminism and Policing in Britain in the late Nineteenth and Early Twentieth Centuries. Ann Arbor, MI: University Microfilms International.
- 4- ANONYME (1989). Women. Fifteen Years of Experience in the RCMP. RCMP Gazette, 51, 11: 21-23.
- 5- ANDERSON, D.J. (1976). Evaluation of the Methodological and Policy Implications of the District of Columbia Policewomen on Patrol Study. Ann Arbor, MI: University Microfilm, ML.
- 6- APPIER, J. (1992). Preventive justice: The Campaign For Women, Women and Criminal justice, 4, 1 36-3
- 7- ARMAT, V. (1975). Poice women in Action in George Henderson (ed.) Police Human Relations. Springfield: Charles Cthomas.
- 8- ATKINSON, J. (1980). Affirmative in Action in police Department, Denver Civil Service Commission.
- 9- A YOOB, M.F. (1987). PERSPECTIVES ON female Troopers. TROOPER, 3.2: 32- 35, 99-101, 103, 105.
- 10- BARTLETT, H. W: ROSENBLUM, A (1977). Policewoman Effectiveness. Denver: DENVER police Department, Denver Civil Service Commission.
- 11- BARTOL, C.R, BERGEN, G.T: VOLCKNS, J.S: KNORAS, K.M (1992). Women in Small-Town Policing: job Performance and Street. CRIMINAL Justice and Behavior, 19, 3: 240-259.
- 12- BASS, M. (1982). Street. A woman Officer, s View. Police Stress, 5, 1: 30-33.
- 13- BECKE, S.C. (1973). LAW enforcement. The feminine Angle. International JOURNAL OF offender Therapy and Comparative Criminology, 17, 2: 196-201.
- 14- BELL, D.J. (1982). POLICEWOMEN- Myths and Reality. Journal of Police Scine and Administration, 10, 1: 112-120.
- 15- BELKNAP, J., SHELLY, J.K. (1993). New Lone Ranger: Policewomen on patrol. American journal of plice, b12, 2: 47-75.
- 16- BERG, B.L.; BUDUNICK, K.J. (1986). Defeminization of Women in law Enforcement. A New Twist in the Traditional Police Personality. journal of Police Science and Administration, 14, 4: 314-319.
- 17- BERG, B.L.; B.; KLEIN, C.; ARNESEN, N. (ed.) (1980). Affirmative Action. Equal Employment Opportunity in the Criminal Justice System. A System.
- 18- A Selected Bibliography. U.S Department of justice: National Institute of justice.
- 19- CHARLES, M.T (1982). Women in Policing. The Physical Aspect. Journal of Police Science and Administration, 10, 2: 194-205.

- 20- CLARK,E.B.(1078).Career in Police Work. Policewomen Speak for Themselves. Womens s Work,4,5:5:14-23
- 21- C.J.The Americas(1991).Police Foundation Study Points Out Problems Of Women Police.C.j.The Americas,4,3:7.
- 22- CRITES, L.(1973).Women in law Enforcement. Management information Service REPORT,5,9.
- Texas and 23- DAVIS,J.A(1984).(perspectives of policewomen in Oklahoma . Joural of police Science and Administration,12.4 :395-403.
- 24- Davis,I.G.(1976).Police Women in American Society –A Preliminary Survey .Monticello: Councill of Planning Librarians.
- 25- DENE,E.(1992).Matemity Rights for Policewomen Within the E.C .POLICE JOURNAL,65,1:21-25.
- 26-DREIFUS,C.(1980).People Are Always Asking Me What I.m Trying to Prove. Police Magazine,3,2:18-25.
- 27-DREIFUS,C.(1982()).WHY Two Women Cops Were Convicted of Cowardice in Barbara Raffle Price and Natalie j. Sokoloff(eds).Criminal JUSTICE System and Women.N.Y:Clark Boardman Cpmpany,ltd.
- 28-DUTTON,A,BRITT,B.(1977).Recruitment and Retention of Females in law Enforse ment Occupatins.N.Y: national Urban LEAGUE,LNC,
- 29- FEINMAN,C.(1080).Women in the Criminal justice System.N.Y.:Preager publishers.
- 30-FELKENESG.T.;SCHROEDEL,J.R(1993).Case study of Minority Women in Policing .Women and Criminal Justice,4,2 :65-89.
- 31- FIELDING N., - FIELDING,J.(1992).A Comparative Minonity:FEMALE RECRUITS TO A British Constabulary Force.
- 32- FOREMAN,L.(1978).At the Crossroads?- The function of Police women in Victoria, Australia. Australia: Criminology Reasearch Council.
- 33- FRY,LJ.(1983).Preliminary Examination of Factors Related to Turnover of women in law Enforcement. Journal of Police Science and Administration,11,2:149-155.
- 34- GARMIRE,B.L.(1974).FemaLE Officers in the Department. F.B.L.Law Enforcement Bulletin,43,6:11-13.
- 35-GARRISON,C.G.:GRANT,N:,McCormick,k.(1988).Utilization of police Women. Police- CHIEF,55 ,9:32-35,69-73.
- 36-Gend into(1995).La gendermerie au feminine ,175,11-20.
- 37-GLATZLE,M:;FIORE,E(1980)Muggablemary.Englewood Cliffs,NJ:Prentice-Hall,Inc
- 38-GOLDEN,K.M.(1982).Women in Criminal justice. Occupational interests. Journal of criminal justice,10,2:147-152.

- 39-GREENWALD,j.E.(1976).Aggression as a Componete of Police-Citizen Transactions.
Male and Female Police Officers.University Differences Between
MICROFILMS,Ann Arbor ,MI.
- 40- GREENNAN,S.E.(1978).Findings on Role of Officer Gender in
Violent Encounters with citizens.Journal of police Science and
Administration,15,1:78-85.
- 41-HALE,D.C.(1992).).Women in policing in Gary W.Cordner and Donna
C.Hale(eds.)What Works IN policing: Operations ad Administration
Examined .CINCINNATE:Anderson Publishing Company.
- 42-HAMILTON M.E.(1971).Police Women:Her Service and
Ideals.N.Y:Arno Press.
- 43- HAMLITON ,A.(1990).Report Frome the international Conference for
Policewomen. Law and Order, 38,6:56-59.
- 44- HEFFNER,P.A.(1976).Impact of Police women on Patrol. Contributions
of sex Role Stereotypes to Behavior in Astereotypic Setting.Ann Arbor
University Microfilm.
- 45- HERNANDEZ,E.(1982).females in law Enforcement
.Femininty,Competence, Attraction ,and Work Acceptance. Criminal Justice
and Behavior ,9,1:13-34.
- 46-HIGGINBOTHAM,J.(1993).pregnancy and Maternity leave Policies :the
lagal .F.B.I.Law Enforcement Bulletin,62,3:27-32.
- 47- HILTON,J.(1976).women in the police Service .police journal ,49,2:93-
103.
- 48-HIRSCHMAN,J.E.(1993).Uniforms Improve for Femal Officers.law and
ORDER,41,8:37-40.
- 49-HORNE,P.(1980).Physical Aspects of policing .law and Order ,28,9:83-
87,89.
- 50-HORNE,P.(1979).Policewomen.2000A.lawandOrder,27,3:48,50,52,54,56
,58,60,62-63,72-75.
- 51- HORNE,P.(1975).Policewomen and Intemational Womens Year.law and
Order ,23,10:66-70.
- 52- HORNE,P.P(1972).Role Of Women In law Enforcement .Los Angeles:
California State University,Los Angeles Department of Ceriminal Justice.
- 53- HOUSE,C.H.(1993).Changing Role Of Women in law
Enforment.Police Chief,60, 10:139-144.
- 54-JACOBS,P.(1992).Public Perceptions of Women in Policing.C.j.the
Americas ,5,2:13-16.
- 55-JACOBS,P.(1978).How Female Police Officers Cope with a
Traditionally Male Position.Sociology and Social Research,72,1:4-6.

- 56- JOHNS,C.J.(1979).Trouble With Womenin Policing .Attitudes Arent Changing. CRIMINAL justice Review,4,1:33-40.
- 57- JOHNS,C.,BARCLAY,A.M(1979).Female Partners for Male Police. The Effect on Shooting Responses. Criminal JUSTICE AND Behavior ,6,4:327-338.
- 58-KEEFE,M.L.(1981).Overview of Equal Opportunity in Plicing for Women.U.S.:Business and Professional Womens Foundation.
- 59- KENNEDY,D.,B,HOMANT,R.J(1981).Natraditional Role Assumption and the policee women.
Journal of Police Science and Administration ,9,3:346-355.
- 60- KNOOHUIZEN,R,GUTMAT,(1974).Women in police Work in chcago. Chicago: Chicago law Enforcment Study Grop.
- 61-KOENIGE.J,JUNI,S.(1981).AttitudesToward policewomen-A Study of Interrelationships and Determinats.
Journal of plice Science and Administration,9,4:463-474.
- 62- KRUCKENBERG,J(1974).Women in policing- refections of a changing community. Part 1.police law Quarterly,4,1:23-33.
- 63-LANCASTER.D.(1983).One Womans Struggle.Plice Product News,September,42-43.
- LEHTINEN,M.W.(1976).Sexism in police Departments. Trial,12,9:52-55.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی